

واکاوی تاریخی تفاوت مواجهه امام هادی (ع) و معتزله با مسئله خلق قرآن

* مهدی نورمحمدی

** اکرم السادات دهقانی

[تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۰]

چکیده

نظریه خلق قرآن یا قدم و خدوٲ قرآن، از مباحث کلامی است که مناقشات فراوانی را میان متکلمان مسلمان ایجاد نمود. معتزله، از مدافعان اصلی نظریه خلق قرآن شناخته شده‌اند. امامان معصوم (ع) نیز با آن نظریه قدم قرآن به مخالفت برخاستند. مقاله پیش رو سعی کرده است به این پرسش اصلی پاسخ دهد که بر اساس مستندات تاریخی، چه تفاوت‌هایی میان مواجهه امام هادی (ع) و معتزله با نظریه خلق قرآن وجود دارد. یافته‌های مقاله، این فرضیه را تأیید می‌کند که به‌رغم پافشاری معتزله در ترویج اندیشه خلق قرآن، امام هادی (ع) آن را جدالی بی‌هوده دانسته، شیعیان را از ورود به این مباحث به شدت نهی می‌کرد. ایشان برخلاف معتزله از تصریح به واژه مخلوق، برای قرآن کریم خودداری کرده و در بیان عقیده خویش درباره قرآن کریم، به «کلام الله» بودن آن، بسنده می‌کرد. موضع امام هادی (ع) سبب شد که ایشان و شیعیانش، از مظان تکفیر و تبعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن مصون بمانند.

کلیدواژه‌ها: امام هادی (ع)، خلق قرآن، قدم قرآن، معتزله، دوران محنت.

* دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

(نویسنده مسئول) mn13510301@gmail.com

** دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه.

مقدمه

از بحث‌های مهمی که در طلیعه قرن سوم و در عصر حیات امام هادی (ع) (۲۱۲-۲۵۴ ق.) جهان فکری اهل سنت را به خود مشغول کرد، جدال بر سر مسئله حدوث و قدم قرآن بود که سبب ایجاد دودستگی میان اهل سنت شد. اهل حدیث^۱ قائل به قدیم بودن «کلام الله» بودند و در مقابل، معتزله^۲ به شدت معتقد به حادث و مخلوق بودن قرآن بودند. اهمیت مناقشات کلامی درباره مسئله خلق قرآن از آن رو بود که ملاک توحید و شرک قرار گرفته بود. معتزله اعتقاد به قدیم بودن قرآن را شرک می‌دانستند و گروه مقابل معتقد بودند که مخلوق دانستن قرآن کفر است.

از آنجا که مسئله خلق قرآن از مباحث جدلانگیز زمان امام هادی (ع) بود، جا دارد تا موضع ایشان درباره این مبحث پرمناقشه کلامی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که پیشوای دهم شیعیان اثناعشری در دوره خویش، چه واکنشی در برابر این مناقشات داشتند و چه موضعی برگرفته بودند. نکته مهم‌تر آنکه در صورت شباهت موضع امام هادی (ع) با موضع معتزله، تفاوت این دو دیدگاه چه بوده است.

بیشتر سیره‌نویسان و پژوهش‌گرانی که درباره امام هادی (ع) نگاشته‌اند، به موضع ایشان در مقابل این فتنه اشاره کرده‌اند؛ البته تنها به حداقل مطلب اکتفا کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به آثاری همچون *تحلیلی از زندگی و زمان حضرت امام علی النقی (ع)*^۳، *حیاه الامام الهادی علیه السلام؛ دراسة و تحلیل*^۴، *الامام الهادی علیه السلام*^۵، *تحلیلی از تاریخ دوران دهمین خورشید امامت امام هادی علیه السلام*^۶، *حیاه الامام علی الهادی علیه السلام*^۷، *الامام علی الهادی علیه السلام لنموذج الارقی للتخطيط المستقبلی*^۸ و *الامام علی الهادی علیه السلام؛ دراسة تاریخیه*^۹ اشاره کرد.

پژوهش‌های معاصر درباره خلق قرآن، جریان محنت^{۱۰} و تاریخ و باورهای معتزلیان که بیشتر از سوی سلفیان نگاشته شده است و درباره مواجهه و رد موضع معتزلیان درباره پدیده خلق قرآن است، نیز بخشی از پیشینه این موضوع محسوب می‌شوند. از جمله می‌توان از *خلق القرآن بین المعتزله و اهل السنه*^{۱۱}، *الحیاه، او، المناظره الکبری فی محنه خلق القرآن*^{۱۲}، *اختصاص القرآن بعودة الی الرحیم الرحمن*^{۱۳}، *روض البیان علی فیض المنان فی الرد علی من ادعی قدم القرآن*^{۱۴}، *مسئله خلق القرآن و موقف علماء القیروان منها و دورهم فی الذب عن مذهب السلف فیها*^{۱۵}، *مسئله خلق القرآن و اثرها*

فی صفوف الرواه و المحادثین و کتب الجرح و التعديل^{۱۶} و مشکله خلق القرآن الکریم عند المتکلمین^{۱۷} یاد کرد.

پژوهش درباره عباسیان، به ویژه زمان خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ق.) به بعد نیز مطالبی تاریخی مرتبط با موضوع تحقیق پیش رو دارند که ذکر آنها دراز دامن خواهد بود، ولی ذکر پایان نامه مناسبات کلام و سیاست در عصر اول عباسی تا پایان متوکل^{۱۸} خالی از لطف نیست.

بیشتر پژوهش‌های کلامی شیعه درباره مسئله خلق قرآن، در کنار نگرش سایر امامان معصوم (ع) به این مسئله، به موضع امام هادی (ع) نیز اشاره کرده‌اند. کتاب المحنه: محاضراتان حول المفهوم القرآنی عن المحنه^{۱۹} پایان‌نامه چگونگی و چرایی عصر محنت قرآن در دوره مأمون^{۲۰} و دو مقاله «متکلمان مسلمان و مناقشات کلامی پیرامون قرآن»^{۲۱} و «بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین (ع) با فرق و مذاهب و جریان‌های فکری معاصر آنان»^{۲۲} از آن جمله‌اند که همانند منابع پیشین به بیان نهی ایشان از ورود شیعیان به این مباحث بسنده کرده‌اند. نگارنده به تألیف یا پژوهشی که به تحلیل و مقایسه موضع امام هادی (ع) با موضع معتزله در این زمینه پرداخته باشد، دست نیافت؛ از این رو لازم به نظر رسید تا در این زمینه، پژوهشی تحلیلی - مقایسه‌ای انجام شود.

مقاله پیش رو، با نگاهی گذرا به برهه‌های مهم و تاثیرگذار زندگانی امام هادی (ع) بر مسئله این مقاله، مسئله خلق قرآن را به طور کلی بیان می‌کند. آنگاه پس از بررسی هر دو مواجعه با مسئله خلق قرآن به صورت جداگانه، در پایان با استناد به گزارش‌های تاریخی، به تجزیه و تحلیل تفاوت‌های دو مواجعه می‌پردازد.

شناخت برهه‌های تاثیرگذار زندگی امام هادی (ع) بر مواجعه با مسئله خلق قرآن
برای درک تصویری صحیح از شرایط امام علی النقی (ع) در زمان مطرح شدن مسئله خلق قرآن، لازم است تا نگاهی به برخی وقایع زندگی امام هادی (ع) و تأثیر آن در مسئله خلق قرآن داشته باشیم. خلفای معاصر آن حضرت (۲۲۰-۲۵۴ ق.) به ترتیب عبارت بودند از: معتصم (حکومت: ۲۱۸-۲۲۷ ق.)، واثق (حکومت: ۲۲۷-۲۳۲ ق.)، متوکل (حکومت: ۲۳۲-۲۴۷ ق.)، منتصر (حکومت: ۲۴۷-۲۴۸ ق.)، مستعین (حکومت:

۲۴۸-۲۵۲ ق.) و معتزاً (حکومت: ۲۵۲-۲۵۵ ق.) (مفید، بی تا: ۳۲۷). از این میان چند نکته قابل برداشت است: یکی آنکه امام هادی (ع)، هم با خلفای موافق و هم با خلفای مخالف نظریه خلق قرآن، معاصر بودند و این امر، هوشمندی خاصی را در موضع گیری طلب می کند. در سطور آینده، ظرایف این موضع گیری روشن خواهد شد. دیگر آنکه از میان خلفای پیش گفته، متوکل بیش از همه با امام هادی (ع) معاصر بود. او به اهل بیت (ع) و شیعیان نشان ظلم و ستم فراوانی روا می داشت (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۹۵)، از این رو هرگونه فعالیت علمی از جمله فعالیت علمی، برای امام (ع) و شیعیان در دوره او سخت تر بود. نکته دیگری که می توانست در فعالیت علمی امام (ع) از جمله مواجهه ایشان با پدیده خلق قرآن، مؤثر باشد آن است که متوکل آن حضرت را در سال ۲۴۳ ق. به شهر سامرا فرخواند (مالکی، ۱۴۲۲: ۱۰۷۵/۲). دوری از حوزه علمی مدینه و صاحبان اندیشه و قرار گرفتن زیر چتر امنیتی در مرکز حکومت، نمی تواند در چگونگی پدیده ای علمی، بی تأثیر باشد. اگر امام (ع)، در مدینه می ماند، شاید امروز، تراش بیشتری از ایشان در اختیار ما بود. نکته آخر که برخلاف دو نکته قبلی، تأثیر مثبت داشته آن است که دوران امام هادی (ع) نیز همچون امامان پیشین، عرصه تقابل آرا و دیدگاه های گوناگون فکری بود. ورود پر قدرت امام (ع) به این آوردگاه و پاسخ به سؤالات و شبهات دیگران است^{۲۳} که توان بررسی موضوعاتی همچون موضوع تحقیق پیش رو را برای ما مهیا کرده است.

مسئله خلق قرآن

مناقشه درباره مخلوق یا غیرمخلوق بودن قرآن کریم از جمله مباحث مهمی بود که میان مسلمانان گفت و گو و جدل ایجاد کرد. در تاریخ کلام اسلامی، هیچ مبحثی همچون این بحث، موجب اختلاف نظر نشده است. این اختلاف ها ناشی از این امر بود که گروهی هوادار حادث بودن کلام خدا و گروهی دیگر طرفدار قدیم بودن آن شدند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

کلمه «حادث» در لغت به معنی تازه و مقابل «قدیم» است و در اصطلاح فلسفه، «حدوث زمانی»، عبارت از حاصل شدن و به وجود آمدن شیء است، پس از آنکه نبوده است. اصطلاح «قدیم» نیز در لغت به معنای کهنه است و در اصطلاح، «قدّم زمانی»

عبارت از بودن شیء است، به نحوی که ابتدایی برای زمان وجود آن نباشد (سجادی: ۱۳۷۹: ۱۸۹). طرفداران نظریه خلق قرآن، قرآن را مخلوق و حادث دانسته و در مقابل کسانی قرار گرفته‌اند که قرآن را غیرمخلوق و قدیم شمرده‌اند (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۱).

سکوت منابع گوناگون، اجازه ریشه‌یابی زمان آغاز این مجادلات را نمی‌دهد (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۱۶)؛ لیکن بر این اساس که مطرح‌کننده نظریه خلق قرآن، جَعَد بنِ دَرَهَم^{۲۴} بود و در حدود ۱۲۰ ق. کشته شده است (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۱۵۰)، پس بحث درباره مخلوق بودن قرآن، بایستی از اواخر حکومت بنی امیه و اوائل قرن دوم هجری و به صورت دقیق‌تر اوایل یا اواخر حکومت هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۸ ق.) آغاز شده باشد (همان: ۱۵۱). پس از فتح شام از سوی سپاه اسلام، مسلمانان با کشیشان مسیحی روبه‌رو شدند که برای مقابله با اعتقادات توحیدی اسلام به نشر شبهات می‌پرداختند (روحی و گلی، ۱۳۸۹: ۱۱۵)؛ از جمله این شبهه را مطرح کردند که طبق آیه ۱۷۱ از سوره مبارکه نساء، عیسی (ع) «کلمه الله» است و «کلمه الله» یا قدیم است یا مخلوق. اگر قدیم باشد مسلمانان باید بپذیرند که مسیح قدیم می‌باشد؛ اما اگر «کلمه الله» مخلوق باشد، مسلمانان نمی‌توانند به آن ملتزم شوند؛ زیرا در این صورت باید بپذیرند که قرآن حادث و ساخته شده است (ابوزهره، ۱۹۹۶: ۱۴۸).

نخستین مسلمانی که تحت تأثیر شبهات کشیشان مسیحی، از غیرمخلوق بودن و قدم قرآن سخن گفت، ابن کُلاب^{۲۵} بود. پس از او اهل حدیث نیز معتقد به قدم قرآن شدند (روحی و گلی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). در سوی دیگر، از بررسی منابع چنین بر می‌آید که قدریه^{۲۶} نیز اولین گروه در اسلام بودند که قائل به مخلوق بودن قرآن شدند (سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۲۶-۱۲۷). پس از تحول قدریه به معتزله، این عقیده به عنوان یکی از عقاید مشخص این گروه درآمد.

برخی از محققان معاصر، از احمد بن ابی دُؤاد ایادی معتزلی (م ۲۴۰ ق.) به عنوان مطرح‌کننده مسئله خلق قرآن نام برده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۰: ۶۵۰). در حالی که برخی دیگر، وی را پدیدآورنده پدیده «محنت» دانسته‌اند (سجادی، ۱۳۷۳: ۶۹۸) و گفته شده است که وی عقیده به خلق قرآن را از یکی دیگر از عاملان رویداد محنت به نام بشر مَرِیسی (م ۲۱۸ یا ۲۱۹ ق.) (همان: ۶۹۹؛ گذشته، ۱۳۸۳: ۱۸۵) و او از جَهْم بن صفوان (م ۱۲۸ ق.) (همان: ۱۸۶) و وی نیز از جَعَد بن دَرَهَم (م ۱۲۰ ق.) تأثیر پذیرفته است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۷/۷۵).

استدلال متکلمان هوادارِ قَدَمِ قرآن، همچون جَعَد بن دَرَهَم و جَهْم بن صفوان، آن بود که قدیم بودن کلام خدا، مستلزم موجود قدیم دیگری همراه با خداوند متعال است (روحی و گلی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). برخی گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که جَعَد بن دَرَهَم به عنوان نخستین ترویج‌دهنده این اندیشه، دارای اعتقادات یهودی بوده است، اما در شماری از پژوهش‌های جدید، درباره دخالت عنصر یهودی در این مسئله تردید شده است (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۱۵۰؛ عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۱).

به تدریج معتزله به عنوان مدافعان اصلی نظریه خلق قرآن شناخته شدند و پس از تثبیت مکتب کلامی اشاعره در قرن چهارم،^{۲۷} مسئله خلق قرآن نیز در شمار موضوعات اختلافی میان اشاعره و معتزله قرار گرفت (همان).^{۲۸}

دو گروه موافق و مخالف مخلوق بودن قرآن کریم، در طول تاریخ، یکدیگر را تکفیر کرده و ردیه‌هایی علیه یکدیگر نگاشته‌اند. معتزله اعتقاد به قَدَمِ قرآن را مستلزم شرک می‌دانستند و مخالفان آنها، مدعای خلق قرآن را کفر و هم‌پایه مدعای کفار مکه به ویژه ولید بن مغیره^{۲۹} شمرده‌اند که قرآن را گفتار بشر می‌خواند (سبحانی، ۱۴۲۰: ۱۲۶-۱۲۷).

از آنجا که این بحث دست کم یک قرن پس از نزول قرآن پدید آمد، بنابراین نباید انتظار داشت که در قرآن و احادیث نبوی و حتی اقوال صحابه، تعبیر «خلق القرآن» یا تعبیر مشابه دیگر به کار رفته باشد یا چیزی در تأیید یا رد صریح آن یافت شود. با این حال به نظر می‌رسد ریشه‌های این گونه بحث‌ها به نحوی اجمالی در قرآن و سنت وجود دارد، چنان‌که هر دو گروه موافق و مخالف این نظریه در اثبات دیدگاه خود به آیاتی از قرآن و احادیثی از پیامبر (ص) استناد کرده‌اند (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۱).

وجه تمایز مسئله خلق قرآن با سایر مباحث کلامی این است که این مسئله با دوران تاریخی و حساس «محنّت» گره خورد و به مسئله‌ای اساسی در عرصه روابط میان حکومت و عالمان دینی تبدیل شد. مأمون و معتصم از خلفای عباسی طرفدار معتزله و مروج تفکر حدوث قرآن بودند (عابدی، بی‌تا: ۳۴۳). مأمون صریحاً اعلام کرد که مذهب حق این است که قرآن مخلوق است، آنگاه با توسل به زور، اهل حدیث را وادار کرد که این اندیشه را بپذیرند و از ابراز مخالفت با آن خودداری کنند (طبری، بی‌تا: ۱۹۵/۷)؛ او در سال ۲۱۸ ق. دستور تفتیش عقاید از صاحب منصبان را صادر کرد. مردودان در این

واکاوی تاریخی تفاوت مواجبه امام هادی (ع) و معتزله با مسئله خلق قرآن / ۱۲۳

آزمون، منصب خویش را از دست می‌دادند. از این دوره با عنوان «مِحَنَه الْقُرْآن» یاد می‌شود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۴۲۳/۶).

برخی بر این باورند که علت اصلی ترویج این نظریه از جانب حاکمان طرفدار معتزله آن بود که مبدا مسلمانان، همچون مسیحیان که عیسی (ع) را «کلمه‌الله» و غیرمخلوق می‌دانند، قرآن (کلام‌الله) را نیز غیرمخلوق و قدیم بشمارند (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۱). البته بعضی نیز علل و عوامل سیاسی را عامل اصلی شکل گرفتن جریان محنت می‌دانند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۱۶).

به هر حال مخالفان قدم قرآن، به زندان و شکنجه سپرده شدند. حتی بزرگان اهل حدیث همچون احمد بن حنبل و محمد بن نوح نیز استثنا نشدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۴۲۷). به باور برخی تاریخ‌پژوهان همین سختگیری‌ها سبب نفرت مردم از معتزله گردید. از این‌رو وقتی که متوکل عباسی به خلافت رسید، جانب قائلان به قدم قرآن را گرفت و در سال ۲۳۴ ق. به دوران محنت پایان داد (خضری، ۱۳۹۱: ۸۶).

مواجهه امام هادی (ع) با مسئله خلق قرآن

از آن‌رو که مسئولیت هدایت جامعه اسلامی و تبیین معارف اصیل اسلامی پس از پیامبر اسلام (ص) بر دوش امامان معصوم (ع) است و ایشان باید باور و اندیشه مردم را از کژی‌ها بازدارند، آن بزرگواران هر یک، سازگار با شرایط حاکم بر دوران خویش، در برابر انحراف عقیدتی قدیم دانستن قرآن کریم موضع‌گیری کرده‌اند (صدوق، بی‌تا: ۳۲۳-۳۲۷). به‌رغم موضوع‌گیری امامان پیشین، مشاهده پرسش از امام هادی (ع) در این باره، نشان می‌دهد که جامعه شیعیان زمان امام هادی (ع)، هنوز درگیر این مسئله بوده‌اند. ضمن آنکه به باور محققان، ماجرای محنت که از زمان مأمون شروع شده بود، در تمام ایام معتصم و نیز روزگار واثق، همچنان دوام یافت. افزون بر آن، معتزله در این ایام چنان قدرتی یافته بودند که به دستور واثق، مردانی از معتزله با دیوان‌سالاران همراه می‌شدند (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۸۹). پس از واثق نیز هرچند متوکل عباسی به دوران محنت پایان داد، ولی بحث علمی آن تا مدت‌ها، حتی با وجود تکفیر معتزلیان از سوی اشاعره در قرن چهارم، از رونق نیفتاده و در جامعه اسلامی مطرح بود (سبحانی، ۱۳۷۸: ۲۰۸/۲).

مواجهه امام هادی (ع) نیز با در نظر گرفتن شرایط ویژه زمان آن حضرت، حساب شده و هوشمندانه است که نه تنها نظر صحیح و درست را بیان داشته‌اند؛ بلکه جامعه شیعه را از خطر مهلکی حفظ کرده‌اند. با وجود رواج بحث حدود و قدم قرآن میان متکلمان مسلمان در زمان امام هادی (ع)، ایشان آن را جدالی بیهوده و انحرافی می‌دانستند و اصحابشان را از پرداختن به این گونه مباحث منع می‌کردند.

امام (ع) ورود به این مناقشه را فتنه‌ای می‌دانستند که نتیجه‌اش چیزی جز هلاکت و سیاه‌روزی نیست؛ اما از آن رو که باید باورهای ناصحیح و عقاید انحرافی را به مردم معرفی کنند، در قالبی بسیار ظریف، به ردّ عقیده قدیم بودن قرآن پرداختند. سند این ادعا، روایتی است که شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق.)، یکی از محدثان شیعی نزدیک به عصر حضور ائمه (ع)، در دو کتاب خویش (صدوق، بی‌تا: ۲۲۴؛ همو، ۱۳۶۲: ۵۴۶) به نقل از محمد بن عیسی بن عبید یقطینی^{۳۰} از امام هادی (ع) نقل کرده است. این روایت، بعدها در دو اثر حدیثی قرن ششم تکرار شده است (فتال نیشابوری، بی‌تا: ۳۸۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸: ۶۱/۱). در آن روایت که تنها بیان مستند از امام هادی (ع) درباره خلق قرآن است، امام (ع) خطاب به برخی از شیعیان خویش در بغداد چنین نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند ما و شما را از وقوع در فتنه مصون نگه دارد که در این صورت بزرگ‌ترین نعمت را بر ما ارزانی داشته است و جز این، هلاکت و سیاه‌روزی است. نظر ما این است که بحث و جدال درباره قرآن، بدعتی است که سؤال‌کننده و جواب‌دهنده در آن شریک‌اند؛ زیرا چیزی دست‌گیر پرسش‌کننده می‌شود که سزاوار او نیست و پاسخ‌دهنده نیز برای موضوعی که در توانش نیست بی‌جهت خود را به رنج و مشقت می‌افکند.

خالق جز خدا نیست و به جز او همه آفریده‌اند و قرآن کلام خدا است و از پیش خود اسمی برای آن قرار مده که از گمراهان خواهی گشت. خداوند ما و شما را از آنانی قرار دهد که در نهان از خدای خود می‌ترسند و از روز جزا سخت هراسان‌اند.^{۳۱}

همان‌گونه که از متن کلام امام (ع) مشخص است، ایشان به صفت مخلوق برای قرآن کریم تصریح نمی‌کند؛ هرچند در حصری عقلی، هر چیزی غیر از خداوند خالق

هستی، خلق شده از خالق است که تصور سومی برای آن محال است و به صورتی بسیار زیبا اندیشه قدیم بودن قرآن را رد می‌کند. ایشان معتقد است که قرار دادن هر اسمی به جز کلام الله برای قرآن اعم از مخلوق و غیرمخلوق و... موجب گمراهی می‌گردد. شاید این گونه به نظر رسد که این موضع، سازگار با دیدگاه معتزله و بیان دیگری از آن است، چراکه آنان نیز قرآن را مخلوق می‌دانستند. اما منابع تصریح دارند که معتزله، همان گونه که «محدث» خواندن قرآن را واجب می‌دانستند، «مخلوق» خواندن آن را نیز واجب می‌انگاشتند؛ چرا که به زعم آنان، تصریح به قید «مخلوق» برای قرآن، سبب رفع ایهام شده و رفع ایهام برای جلوگیری از انحراف، واجب است (معتزلی، بی‌تا ب: ۲۱۸/۷). اینجا است که تفاوت دو دیدگاه مشخص می‌شود، چنان‌که در سطور آینده، پیامدهای آن نیز روشن خواهد شد.

نکته مهم دیگر آنکه از نظرگاه اعتقادی، موضع امام هادی (ع)، همان منظر امامان پیش از ایشان بوده است. برای نمونه امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «او (قرآن) کلام الله، قول الله، کتاب الله، وحی الله و تنزیل الله است» (صدوق، بی‌تا: ۲۲۴). امام کاظم (ع) نیز همین بیان را داشته و فرموده است: «من آنچه را آنان (معتزله و اهل حدیث) گفتند (مخلوق یا غیرمخلوق) نمی‌گویم، بلکه می‌گویم به درستی که آن (قرآن) کلام الله است» (همان). امام رضا (ع) نیز در همین باره فرمودند: «قرآن نه خالق است و نه مخلوق، بلکه کلام الله عزوجل است» (همان: ۲۲۳) یا «(قرآن) کلام الله است از آن تجاوز نکن (بیش از این مگو)» (همان: ۲۲۴). تفاوتی که در بیان امام هادی (ع) با امامان پیشین است، تأکید فراوان ایشان مبنی بر داخل نشدن شیعیان، در مناقشه میان گروه‌های درگیر با این قضیه است.

مواجهه معتزله با مسئله خلق قرآن

نظریه خلق قرآن در تاریخ بیش از همه با نام معتزله گره خورده است و معتزله این نظریه را در برابر نظریه قدّم قرآن مطرح کردند (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۱). این گروه، از مخالفان سرسخت عقیده قدّم قرآن کریم بودند. ایشان اعتقاد به قدیم و ازلی بودن کلام خدا را منافی توحید دانسته، به شدت با آن به مبارزه برخاستند (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

تأکید معتزله بر این عقیده به حدی است که قاضی عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۵ ق.)،^{۳۲} بحث درباره حدوث و قدم قرآن را در باب عدل یکی از اصول پنج گانه معتزله گنجانده است. به نوشته او موضع معتزله در این باب آن است که قرآن، کلام و وحی خدا و مخلوق و مُحدَث است (معتزلی، بی تا الف: ۳۵۸-۳۸۰).

محمود ملاحمی خوارزمی (م ۵۳۶ ق.)^{۳۳} نیز می نویسد: «بزرگان معتزله معتقدند که قرآن، فعلی از افعال خداوند متعال است که برای تأمین مصالح بندگانش آن را بیان کرده است. ربّ و خالق قرآن، خداست و قرآن مانند سایر افعالش، مخلوق اوست» (روحی و کلی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

از نظر معتزله، مخلوق بودن قرآن یعنی خداوند به لفظ سخن نمی گوید، بلکه برای ارتباط برقرار کردن، آوای کلام را می آفریند که می تواند شنیده شود. این آوا مجازاً کلام نامیده می شود (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). ایشان برای دفع شبهه قدیم بودن قرآن و اثبات خلق قرآن به ادله عقلی و نقلی متعددی استناد جسته اند (معتزلی، بی تا ب: ۵۳۱-۵۳۹).

هرچند به دلیل سخت گیری حاکمان وقت، معتزله تا زمان مأمون عباسی، فرصتی برای ترویج این عقیده نیافتند؛ اما با این همه، این نظریه تا آن زمان، در حال گسترش بوده است (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

معتزله در زمان مأمون عباسی فرصت یافتند تا نظریه خویش درباره خلق قرآن را بی پرده ترویج کنند؛ چراکه مأمون مکتب اعتزال را پذیرفت و پیروان آن را همراهی کرد. او خود به مخلوق بودن قرآن معتقد بود و به شدت از این عقیده حمایت می کرد (طبری، بی تا: ۱۳/۱۶۴-۱۷۵). معتصم و واثق عباسی نیز مشی مأمون را در ترویج عقیده خلق قرآن ادامه دادند (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۱).

هرچند آزادی در اندیشه و عقیده از مشخصه های مکتب اعتزال است؛ اما معتزله در زمان سه خلیفه عباسی (مأمون، معتصم و واثق) برخلاف مکتبشان، اهل حدیث را به پذیرفتن عقیده خود (خلق قرآن) مجبور کردند (سبحانی، ۱۳۷۸: ۲۰۸/۲). محرومیت از مناصب، زندان، شکنجه و حتی قتل، انتظار کسانی را می کشید که به این اجبار تن نمی دادند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۶۲۴).

تندروی های معتزله در به کرسی نشاندن دیدگاه خویش درباره خلق قرآن، صدور ردیه های جدی و پرحرارت از طرف گروهی از عالمان پیرو سلف را در پی داشت و

واکاوی تاریخی تفاوت مواجهه امام هادی (ع) و معتزله با مسئله خلق قرآن / ۱۲۷

موجب تنفر جامعه از معتزله گردید (عباسی، ۳۵: ۱۳۹۰-۴۱). نارضایتی‌های ایجادشده نسبت به حکومت، به سبب جانب‌داری از معتزله و عقیده به خلق قرآن، خلفای پسینی را واداشت تا با معتزله به خشونت رفتار کنند.

متوکل برخلاف سه خلیفه پیشین، هوادار باورمندان به قدم قرآن شد و برای مقابله با معتزله، با صدور فرمانی از بحث و جدل درباره قرآن منع کرد. او در جلسه‌ای با حضور برخی از فقیهان و محدثان، از آنها خواست احادیثی در رد معتزله روایت کنند و مذهب سنت و جماعت را رواج دهند. قاضی القضاة معتصم و واثق که از معتزله و دارای نقش مؤثری در حوادث دوره محنت بود و قاضی القضاة مصر که او نیز از سران معتزله بود، به دستور متوکل عزل و اموالشان مصادره شد. معتز نیز مانند متوکل با معتزله مخالف بود و با آنان با خشونت برخورد می‌کرد (کریمی قهی، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۸).

تجزیه و تحلیل تفاوت‌های دو مواجهه

واکاوی مواجهه امام هادی (ع) و متکلمان معتزلی درباره مسئله خلق قرآن نشان می‌دهد که این دو مواجهه از دو تفاوت عمده برخوردار است که در این مجال، آنها را برشمرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

الف: معتزله برخلاف سختگیری‌ها و فشارهای حکومتی، بر عقیده خود مبنی بر مخلوق بودن قرآن پافشاری می‌کردند و با اهل حدیث در این مورد به بحث و جدل می‌پرداختند. این درحالی بود که حاکمان عباسی آن عصر، با عقیده خلق قرآن مخالف بودند و طرفداران آن را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند (همان).

امام هادی (ع) معتقد بودند که بحث و جدل درباره این مبحث، بیهوده و خالی از فایده است. ایشان در پاسخ به کسانی که در این باره از ایشان سؤال کرده بودند، آن را فتنه‌ای معرفی کردند که نتیجه‌اش هلاکت و گمراهی است.

اندکی بررسی درباره شرایط سیاسی و اجتماعی زمان امام هادی (ع) نشان می‌دهد که آن امام بزرگوار با اتخاذ این موضع هوشمندانه، توانستند با درایت، شیعیان را از افتادن در ورطه‌ای خطرناک نجات دهند و موجب حفظ جان و عقیده آنان شود.

خلفای عباسی زمان حیات امام هادی (ع)، از جمله متوکل و معتز، سیاست‌های خصمانه‌ای درباره شیعیان در پیش گرفته بودند. متوکل از جنایت‌کارترین و

سخت‌گیرترین خلفای عباسی بود. بی‌احترامی‌های مکرر به امام هادی (ع)، ویران کردن مرقد مطهر امام حسین (ع) و منع شیعیان از زیارت ایشان، انزجار آشکار از اهل بیت (ع) و شیعیان آنها، به‌کارگیری دشمنان شیعه در مناصب حکومتی و محرومیت شیعیان از آن و فشار اقتصادی شدید به علویان از سیاه‌ترین سیاست‌های متوکل در برابر اهل بیت (ع) و شیعیانشان بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۹۵-۳۹۶).^{۳۴} معتز نیز سیاست‌های پدر خویش را در برخورد با شیعیان در پیش گرفت (همان: ۴۳۳-۴۳۴). این دو خلیفه علاوه بر دشمنی با شیعیان و علویان، طرفدار نظریه قدم قرآن بودند و کسانی که به مخلوق بودن قرآن اعتقاد داشتند را شکنجه و آزار می‌دادند.

روشن است که ورود شیعیان به مناقشه خلق و قدم قرآن در این شرایط، به بهانه‌ای برای فشار و اذیت مضاعف حکومت تبدیل می‌شد. شیعیان با هدایت هوشمندانه امام هادی (ع) از افتادن در دام این فتنه نجات یافتند؛ اما معتزله با پافشاری بر بحث بیهوده خلق قرآن، مورد تعقیب و آزار کارگزاران حکومت قرار گرفتند.

این درحالی است که مسئله حدوث و قدم قرآن، هیچ ثمره علمی ندارد. از نظر اعتقادی نیز هر مسلمانی باید اعتقاد داشته باشد که قرآن مجید، کلام خداوند است و اینکه قرآن کریم حادث است یا قدیم، هیچ تأثیری بر ایمان او ندارد. البته امام (ع) با اشاره به اینکه هرچیزی غیر از ذات الاهی، مخلوق محسوب می‌شود، با ظرافت به پیروان خود فهماندند که قرآن حادث است، نه قدیم؛ لیکن تصریح نمودند که این بحث اهمیتی ندارد.

ب: تفاوت دیگر مواجهه امام هادی (ع) و معتزله در به‌کارگیری لفظ مخلوق است. امام (ع) بیان داشته بودند که قرآن کلام الله است و هیچ نام دیگری اعم از مخلوق یا هر اسم دیگری، بر قرآن اطلاق نشود ولی معتزله برای مقابله با اعتقاد به قدیم بودن قرآن کریم از عبارت مخلوق استفاده می‌کردند. این در حالی بود که مخلوق و غیرمخلوق بودن قرآن کریم، ملاک توحید و شرک قرار گرفته بود. همان‌گونه که گذشت، باورمندان به قدم قرآن، معتقد بودند که مدعای مخلوق بودن قرآن، هم‌پایه با ادعای مشرکان مکه است که قرآن را گفتار بشر می‌خواندند (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۴۱). از سوی دیگر، برای اهل حدیث بسی دشوار بود که قرآن و کلام خدا را مخلوق بدانند، چه اینکه در باورشان، خلق را در همین معنای محسوس و مادی می‌دانستند؛ از این‌رو

به‌کاربردن واژه مخلوق برای قرآن، حساسیت آنان را برانگیخت و کار را به جایی رساند که معتقدان به خلق قرآن، مورد تکفیر، آزار و اذیت قرار گرفتند و ردیه‌های متعددی علیه ایشان صادر شد (کریمی قهی، ۱۳۸۴: ۹۶-۹۸).

از دیگر دلایل نادرستی اطلاق مخلوق بر قرآن کریم آن است که برخی از مشتقات ریشه مخلوق همانند مُخْتَلَق، گاهی به سخن دروغ و خودساخته اطلاق می‌گردد (عابدی، بی‌تا: ۳۴۷). اصطلاح «قرآن مخلوق» ممکن است به معنای «قرآن دروغ و خودساخته»، مورد توهم قرار گیرد و شنونده را به اشتباه اندازد. شیخ صدوق در این باره کلامی دارد که به خوبی می‌تواند حسن ختام این نوشتار قرار گیرد:

درباره کتاب خدا وارد شده است که قرآن، کلام خدا، وحی خدا، قول خدا و کتاب خدا است و درباره آن وارد نشده است که مخلوق است. ما فقط از اطلاق نام مخلوق بر آن منع شده‌ایم؛ زیرا مخلوق در لغت، گاهی به معنای تکذیب‌شده اطلاق می‌شود و گفته می‌شود کلام مخلوق یعنی کلامی که تکذیب شده است (صدوق، بی‌تا: ۲۲۵).

نتیجه

نظریه خلق قرآن، از مباحث کلامی جنجالی در زمان امام هادی (ع) بود. اهل حدیث قائل به قدیم بودن کلام اللّه بودند و در مقابل، معتزله به شدت از عقیده حدوث و مخلوق بودن قرآن هواداری می‌کردند. این دو گروه، به این بهانه به تکفیر یکدیگر می‌پرداختند.

این مقاله تلاش داشت تا با استنادات تاریخی، مواجهه امام هادی (ع) را در مقابل این مناقشه کلامی بررسی کرده، آن را با مواجهه معتزله مقایسه کند. از آنچه گذشت نتیجه می‌گیریم که موضع امام هادی (ع) با معتزله از دو جهت تفاوت داشت:

۱. برخلاف پافشاری معتزله بر اندیشه خلق قرآن که تکفیر شدن و تحت فشار قرار گرفتن از سوی گروه مقابل و حاکمان عباسی را به دنبال داشت، امام هادی (ع) با بی‌فایده خواندن این مناقشه‌ها، به شیعیان توصیه کرد تا خود را از این مباحث گمراه‌کننده دور نگه دارند. به این ترتیب، امام هادی (ع) بهانه فشار بیشتر بر شیعیان را از حاکمان شیعه‌ستیز عباسی گرفت و پیروان خود را از یک ستیز نابودکننده نجات داد.

۲. برخلاف معتزله که برای بیان عقیده خود مبنی بر حدوث قرآن کریم، واژه «مخلوق» را استفاده می کردند، امام هادی (ع) بسیار هوشمندانه از به کارگیری عبارت مخلوق بودن قرآن خودداری کرده، در تبیین عقیده خویش درباره مبحث خلق قرآن، به «کلام الله» خواندن قرآن کریم اکتفا کردند. بدین ترتیب امام (ع) با تیزبینی، خود و شیعیانش را از اتهام کفر و شرک نجات بخشید، اما معتزله به سبب به کارگیری واژه مخلوق برای قرآن، به بشری دانستن قرآن و در نتیجه کفر متهم شدند و تحت فشار قرار گرفتند.

البته امام هادی (ع) با ظرافت و به صورت تلویحی با بیان اینکه فقط خدا خالق است و هر چیزی جز او، مخلوق است، مخالفت خویش با قدیم بودن قرآن را اعلام کرده، نقش هدایت گری خود را در برابر دگم اندیشان و کژی‌اوران جامعه اسلامی ایفا کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱. اهل حدیث یا اصحاب حدیث، گروهی از اهل سنت هستند که به اعتماد بر ظاهر احادیث پافشاری می‌ورزند. هرگاه تمسک به احادیث در معتقدات باشد، اصطلاح اهل حدیث شایع‌تر و هرگاه در فقه باشد، اصطلاح اصحاب حدیث رایج‌تر است (خمینی، ۱۳۸۹: ۲/ ۱۴۴-۱۴۶).
۲. «معتزله» یک مکتب کلامی اهل سنت است که در زمان بنی امیه و در عهد عبدالملک مروان (۶۵-۸۶ ق.) ظهور کردند. آنان در مباحث عقیدتی برای عقل اصالت قائل بوده و به هنگام تعارض عقل و ظاهر آیات و روایات، دست به تأویل آیات و روایات می‌زدند. برای نمونه بر خلاف «جبریه» و «صفاتیه»، هوادار قدرت انسان بودند و آدمی را در کردار و رفتار خویش آزاد می‌پنداشتند. اصول «توحید»، «عدل»، «الوعد و الوعید»، «منزله بین المنزلین» و «امر به معروف و نهی از منکر» اصول آنان است که سه‌تای آخر، اصول اختصاصی مکتب معتزله است. برای آنان سیزده فرقه شمرده شده است (مشکور، ۱۳۷۲: ۴۱۵-۴۱۸ و مطهری، بی‌تا: ۲/ ۲۵ - ۲۴).
۳. نک.: وشنوی، قوام الدین محمد (۱۳۵۷). همچون تحلیلی از زندگی و زمان حضرت امام علی النقی (ع)، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی.
۴. نک.: طبسی، محمد جواد (۱۳۶۶). حیاة الامام الهادی علیه السلام؛ دراسة و تحلیل قم: دارالکتاب الاسلامی.
۵. نک.: جمعی از نویسندگان (۱۳۶۸). الامام الهادی علیه السلام، تهران: موسسه البلاغ.
۶. نک.: رفیعی، علی (۱۳۷۰). تحلیلی از تاریخ دوران دهمین خورشید امامت امام هادی علیه السلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۷. نک.: حکیمی حائری، محمدرضا (۱۳۷۳). حیاة الامام علی الهادی علیه السلام، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۸. نک: صغیر، محمد حسین (۱۳۸۷). *الامام علی الهادی علیه السلام لنموذج الارقی للتخطيط المستقبلی* بیروت: موسسه البلاغ.
۹. نک: عقیلی، ثائر هادی رسن (۱۳۸۹). *الامام علی الهادی علیه السلام؛ دراسه تاریخیه بیروت: موسسه البديل للدراسات و النشر.*
۱۰. «محنه» واژه‌ای عربی و به معنای آزمایش است و آن گونه که خواهد آمد، در این رویداد، صاحب منصبان، درباره اعتقاد به خلق قرآن، مورد تفتیش عقاید قرار می‌گرفتند.
۱۱. نک: فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۶۸). *خلق القرآن بین المعتزله و اهل السنه، قاهره: المكتب الثقافی.*
۱۲. نک: کنانی، عبدالعزیز بن یحیی (۱۳۶۲). *الحیده، او، المناظره الکبری فی محنه خلق القرآن بیروت: دارالفتح.*
۱۳. نک: ضیاء، محمد بن عبدالواحد (۱۴۰۹). *اختصاص القرآن بعوده الی الرحیم الرحمن، ریاض: مکتبه الرشید.*
۱۴. نک: سالمی، عبدالله بن حمید (۱۴۱۵). *روض البیان علی فیض المنان فی الرد علی من ادعی قدم القرآن، بی‌جا: المکتبه السالمی.*
۱۵. نک: رومی، فهد بن عبدالرحمن (۱۴۱۷). *مسئله خلق القرآن و موقف علماء القیروان منها و دورهم فی الذب عن مذهب السلف فیها، ریاض: مکتبه التوبه.*
۱۶. نک: ابوغده، عبدالفتاح (۱۴۲۶). *مسئله خلق القرآن و اثرها فی صفوف الرواه و المحدثین و کتب الجرح و التعذیل، بیروت: مکتب المطبوعات الاسلامیه.*
۱۷. نک: شیروانی، عادل عبدالله حمد (۱۳۸۹). *مشکله خلق القرآن الکریم عند المتکلمین، عمان و بغداد: دار دجله.*
۱۸. نک: رضوانی، علی (۱۳۸۸). *مناسبات کلام و سیاست در عصر اول عباسی تا پایان متوکل، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).*
۱۹. نک: صدر، محمدباقر (۱۳۶۲). *المحنه: محاضرتان حول المفهوم القرآنی عن المحنه، قم: ذوالفقار.*
۲۰. نک: فقیه خرم، فاطمه (۱۳۸۲). *چگونگی و چرایی عصر محنت قرآن در دوره مأمون، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).*
۲۱. نک: رضایی، محمد (۱۳۸۴). «متکلمان مسلمان و مناقشات کلامی پیرامون قرآن»، *مجله کلام اسلامی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۴.*
۲۲. نک: سجادی، رضیه سادات و کریمی زاده، ریحانه (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی دیدگاه و نحوه تعامل امامین عسکریین (ع) با فرق و مذاهب و جریان‌های فکری معاصر آنان»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه مذاهب اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ش ۴.*
۲۳. نک: عطاردی، ۱۴۱۰.
۲۴. جَعْد بن دَرَهَم، از متکلمان نیمه نخست قرن دوم، شاگرد وهب بن منبه و قدری مذهب بود (نک: ذهبی، ۱۴۱۴: ۵۴۷/۴).

۲۵. ابو محمد بن عبدالله بن سعید بن کلاب القطان بصری، متکلم مشهور سده سوم هجری که پیروانش را کلابیه می نامند (عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۹۰-۲۹۱).
۲۶. قدریه گروهی کلامی که همه چیز را به قضاء و قدر الاهی منسوب می کنند، ولی برای تنزیه خداوند، گناهان انسان ها را استثنا می کنند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۳: ۷۹).
۲۷. اشاعره، پیروان یکی از مکتب های کلامی اهل سنت به رهبری ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (م ۳۲۴ ق) که ابتدا معتزلی بود ولی بعدها با رد اهل حدیث و معتزله، مکتب جدیدی را تأسیس کرد (نک: مشکور، ۱۳۷۲: ۵۴-۵۹؛ فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۵۸).
۲۸. از آنجا که اشاعره برای عقل، اعتباری نسبی قائل بودند، برخی از وجوه مخالفت را ارتقا بخشیدند. برای نمونه از آنجا که مسئله قدم قرآن به معنی حروف و کلماتی که تلفظ می شوند بسیار سست بود، اشاعره برای رهایی از این مشکل، مسئله کلام نفسی را مطرح کردند (عابدی، بی تا: ۳۴۴).
۲۹. ولید بن مغیره یکی از دانایان معروف و فصیحان و بلیغان قریش بود.
۳۰. محمد بن عیسی بن عبید یقطینی بن یونس در زمان خود محدث مشهوری بوده است، با این حال گروهی او را موثق و جمعی ضعیف شمرده اند. برای نمونه صدوق او را تضعیف و نجاشی وی را توثیق کرده است (نک: عطاردی، ۱۴۱۰). جالب آنکه روایت مذکور را خود صدوق، آن هم در دو کتاب از وی نقل کرده است. شاید بدان دلیل باشد که محتوای آن با مجموعه معارف قرآن و اهل بیت (ع) سازگاری قطعی دارد.
۳۱. حدیثا ابی (ره) قال حدیثنا سعد بن عبدالله قال حدیثنا محمد بن عیسی بن عبید یقطینی قال کتب علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا (ع) الی بعض شیعه بغداد بسم الله الرحمن الرحیم عصمنا الله و ایاک من الفتنه فان یفعل فاعظم بها نعمه و الا یفعل فهی الهلکه نحن نریان الجدال فی القرآن بدعه اشترک فیها السائل و المجیب فتعاطی السائل ما لیس له و تکلف المجیب ما لیس علیه و لیس الخالق الا الله و ما سواه مخلوق و القرآن کلام الله لا تجعل له اسما من عندک فتکون من الضالین جعلنا الله و ایاک من الذین یخشون ربهم بالغیب و هم من الساعه مشفقون. قسمت پایانی نامه (الذین یخشون...) برگرفته از آیه ۴۹ سوره انبیا است.
۳۲. ابوالحسن عبدالجبار بن احمد بن عبدالجبار بن احمد بن خلیل همدانی اسدآبادی پیشوای معتزلیان در عصر خود بود. وی در فقه از مذهب امام شافعی پیروی می کرد.
۳۳. وی از بزرگان معتزله در قرن ششم و دارای آثاری از جمله *المعتمد فی اصول الدین، الفائق فی اصول، التجرید و تحفه المتکلمین فی الرد علی الفلاسفة* است. کتاب *المعتمد* وی اهمیت فراوانی دارد.
۳۴. این فشارها در سراسر جهان اسلام جاری بود؛ مثلاً متوکل در دستوری به حاکم مصر، شیعیان را از داشتن بیش از یک برده، سواری بر اسب، تملیک املاک و مسافرت میان فسطاط و شهرهای دیگر ممنوع کرد. او به صراحت دستور داده بود که در دادگاه ها عدالت را برای شیعیان رعایت نکنند (نک: اوحدی، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۸ به نقل از کندی، ۱۴۰۷: ۱۵۹).

منابع

- ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن علی (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمد (۱۳۲۸). *مشابه القرآن*، بی جا: انتشارات بیدار.
- ابن صباغ مالکی (۱۴۲۲). *الفصول المهمه فی معرفه الائمه*، تحقیق سامی الغریری، قم: دارالحديث للطباعة و النشر.
- ابوالفرج اصفهانی (۱۳۸۵). *مقاتل الطالبیین*، نجف: منشورات مکتبه الحیدریه، چاپ دوم.
- ابوزهره، محمد (۱۹۹۶). *تاریخ المذاهب الاسلامیه*، قاهره: دارالفکر العربی.
- اوحدی حائری، پروین دخت (۱۳۸۵). «اوضاع شیعیان در دوره متوکل عباسی»، فصلنامه شیعه شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۹). «جعد بن درهم»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۰). *حیات فکری - سیاسی امامان شیعه*، تهران: نشر علم.
- خضری، احمد (۱۳۹۱). *تاریخ خلافت عباسی*، تهران: سمت، چاپ هشتم.
- خمینی، سیدحسن (۱۳۸۹). *فرهنگ جامع فرق اسلامی*، تهران: اطلاعات.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۴). *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: إشراف و تخریج: شعیب الأرنؤوط و مأمون الصاغرجی، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة التاسعة.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۳). «کلام اسلامی در عصر امویان»، *مجله کیهان اندیشه*، شماره ۵۸، بهمن و اسفند.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴). «متکلمان مسلمان و مناقشات کلامی پیرامون قرآن»، *مجله کلام اسلامی*، شماره ۵۳، بهار.
- روحی، ابوالفضل؛ گلی، جواد (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی دیدگاه خلق قرآن و بشری بودن قرآن»، *مجله معرفت کلامی*، سال اول، شماره ۴، زمستان.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۸). *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*، قم: توحید.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۰). *محاضرات فی الاهیات*، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، قم: موسسه امام صادق (ع).
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۷۹). *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سجادی، صادق (۱۳۷۳). «احمد بن ابی دؤاد ایادی»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۸۸-۷۰۰.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الأمالی*، بی جا: انتشارات کتابخانه اسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی (بی تا) *التوحید*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا). *تاریخ الطبری*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

عابدی، احمد (بی تا). *توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت*، تهران: مشعر.
عباسی، مهرداد (۱۳۹۰). «خلق قرآن»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بیناد دایره المعارف اسلامی.

عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۴۰۴). *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
عطاردی، عزیزالله (۱۴۱۰). *مسند الامام الهادی (ع)*، مشهد: کنگره بین المللی امام رضا (ع).

فتال نیشابوری، محمد بن حسن (بی تا). *روضه الواعظین*، قم: انتشارات رضی.
فیرحی، داود (۱۳۸۷). *روش شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کریمی قهی، منصوره (۱۳۸۴). «منازعات مذهبی در بغداد»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، سال ششم، شماره ۲۱.

کندی، محمدیوسف (۱۴۰۷). *ولاه مصر*، بیروت: مکتبه الثقافیه.
گذشته، ناصر (۱۳۸۳). «بشر مرّیسی»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۱۸۴-۱۸۸.

مشکور، محمدجواد (۱۳۷۲). *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

مطهری، مرتضی (بی تا) *آشنایی با علوم اسلامی*، تهران: صدرا.
معتزلی، قاضی عبدالجبار (بی تا الف). *شرح الاصول الخمسه*، تعلیق: ابی هاشم احمد بن حسین، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

معتزلی، قاضی عبدالجبار (بی تا ب). *المغنی فی ابواب التوحید و العدل*، تصحیح: محمود محمد قاسم و ابراهیم بیومی مدکور، به اهتمام: طه حسین، بی جا: بی نا.
مفید، محمد بن محمد (بی تا) *الارشاد*، قم: مکتبه بصیرتی.